

شناسایی موانع تأمین مالی در ورزش حرفه‌ای ایران

مهدی غفوری یزدی*^۱ - ابراهیم علی دوست قهفرخی^۲ - محمد خبیری^۳ - سید نصراله سجادی^۴
۱. دکتری مدیریت ورزشی دانشگاه تهران، تهران، ایران ۲ و ۳. دانشیار مدیریت ورزشی دانشگاه تهران، تهران، ایران ۴. استاد
مدیریت ورزشی دانشگاه تهران، تهران، ایران
(تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۱۲، تاریخ تصویب: ۱۳۹۸/۰۲/۱۲)

چکیده

هدف از پژوهش حاضر، شناسایی موانع تأمین مالی در ورزش حرفه‌ای کشور بود. روش پژوهش کیفی و با رویکرد پدیدارشناسی بود و اطلاعات مورد نیاز با استفاده از مطالعات اسنادی و مصاحبه نیمه‌ساخت یافته با خبرگان به دست آمد. جامعه آماری پژوهش استادان دانشگاهی متخصص در زمینه‌های مدیریت ورزشی، اقتصاد و کارآفرینی، مدیران ارشد و متصدیان ورزش حرفه‌ای ایران و مدیران ارشد شرکت‌ها و صندوق‌های تأمین سرمایه بودند. روش نمونه‌گیری غیرتصادفی و هدفمند بود و مصاحبه با خبرگان تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت (۲۰ مصاحبه). در پایان، ۱۰ مانع تأمین مالی ورزش حرفه‌ای به شرح زیر شناسایی شد: اقتصاد ناکارآمد، چالش‌های مالی، چالش‌های مدیریتی، چالش‌های حقوقی و قانونی، فقدان شفافیت، دولتی بودن، سیاست‌زدگی، فساد، چالش‌های نگرشی و دانشی شناسایی. این موانع در قالب دو مقوله اصلی موانع عملکردی و موانع بنیادی دسته‌بندی شدند. با توجه به یافته‌های پژوهش، می‌توان با برنامه‌ریزی و اقدام برای رفع موانع مذکور شرایط تحقق مدل مطلوب تأمین مالی در ورزش حرفه‌ای ایران را فراهم آورد.

واژه‌های کلیدی

بازار سرمایه، تأمین مالی، تأمین مالی جمعی، تأمین مالی پروژه، پژوهش کیفی، ورزش حرفه‌ای.

مقدمه

در جهان امروز، ورزش حرفه‌ای به‌عنوان صنعتی تأثیرگذار و عاملی مهم برای رشد اقتصاد کشورها مورد توجه قرار می‌گیرد. مقبولیت و برخورداری از میلیون‌ها بیننده و هوادار برای رشته‌های ورزشی در سطح باشگاهی و ملی، ورزش را در سطح حرفه‌ای به صنعتی مهم و سودآور در دنیا تبدیل کرده است (۱)، به‌طوری‌که نتایج گزارش‌های سایت پلانکت^۱ (۲۰۱۳) نشان می‌دهد اندازه بازار صنعت ورزش آمریکا دو برابر اندازه بازار صنعت خودرو و هفت برابر اندازه بازار صنعت فیلم در این کشور است (۲).

براساس تعریف هیأت وزیران در سال ۱۳۹۱، ورزش حرفه‌ای فعالیت‌های ورزشی سازمان‌یافته‌ای است که به‌منظور کسب درآمد برای توسعه ارزش‌های اقتصادی و اجتماعی انجام می‌گیرد و ضوابط و شاخص‌های آن در چارچوب مقررات مراجع ذی‌صلاح توسط وزارت ورزش و جوانان تعیین و ابلاغ می‌شود (۳). همان‌طور که از تعریف مذکور دریافت می‌شود، ماهیت ورزش حرفه‌ای در کشورهای مختلف پدیده‌ای اقتصادی است که با هدف خلق درآمد و ارزش، مدیریت می‌شود. از طرفی هزینه‌های باشگاه‌داری و اداره ورزش حرفه‌ای، روزبه‌روز در حال افزایش است، به‌طوری‌که بسیاری از باشگاه‌های ورزشی در رشته‌های مختلف زیان‌ده هستند (۴). از این‌رو باشگاه‌های ورزشی و حتی دولت‌ها درصدد پیدا کردن راه‌ها و منابع تأمین مالی‌اند تا علاوه بر پوشش هزینه‌ها بتوانند به هدف اصلی خود که کسب سود و منفعت است، دست پیدا کنند. بنابراین در این رویکرد مفاهیمی همچون تأمین مالی، ابزارهای نوین تأمین مالی و منابع درآمدی اهمیت پیدا می‌کند.

علم و هنر مدیریت وجه نقد را تأمین مالی گویند. فرد، دِسچِرِیوِر و مُندِلو^۲ (۲۰۱۳)، تأمین مالی را ایجاد و مدیریت

پول با هدف کسب رشد در آینده یا به‌عبارتی جذب، مدیریت، دنبال کردن و هزینه کردن منابع مالی تعریف کردند (۵). هدف از تأمین مالی سرمایه‌گذاری، سودآوری، کاهش ریسک و برطرف کردن نیازهای اقتصادی و اجتماعی یک بنگاه است. سودآوری یک کسب‌وکار یا باشگاه علاوه بر اینکه عامل تداوم فعالیت‌های بنگاه است، عاملی بسیار مهم برای تأمین مالی در آینده است. در واقع شرط لازم برای استفاده از بسیاری روش‌ها و ابزارهای تأمین مالی سودآور بودن یا امکان سودآوری در آینده است. پرواضح است که هر فعالیتی به منابع مالی نیاز دارد، از این‌رو از جمله دغدغه‌های مهم تمام سازمان‌ها و باشگاه‌های ورزشی و غیرورزشی در سراسر جهان تأمین منابع مالی مطلوب و استمرار فعالیت‌ها و خلق درآمد و سود است. از این‌رو، منابع مالی را به شریان حیاتی سازمان‌های کوچک و بزرگ و تمامی بنگاه‌های اقتصادی تشبیه کرده‌اند. در حقیقت، هدف اصلی از هر نوع فعالیت اقتصادی سودآوری است و این مهم جز با وجود منابع مالی بهنگام و کافی محقق نمی‌شود (۶).

بررسی منابع علمی نشان می‌دهد رشد و توسعه اقتصادی، ارتقای سودآوری برای تأمین نیازهای اقتصادی و اجتماعی بنگاه اقتصادی، تداوم سودآوری برای دوره‌های بعدی تأمین مالی، پرداخت به‌موقع هزینه‌ها، بدهی‌ها و سود حاصل از سهام سهامداران، برنامه‌ریزی بهینه برای تولید، مدیریت و تسهیل سودآوری، اطمینان از تداوم فعالیت‌های بنگاه، افزایش ارزش بنگاه و ثروت سهامداران و سرمایه‌گذاران، ارتقا ی‌شاخص‌های مالی و سودآوری، بهبود کیفیت رقابت و حضور موفق در عرصه‌های داخلی و خارجی و کسب شهرت، توسعه زیرساخت‌ها و دارایی‌ها، کاهش وابستگی‌ها به دولت و سایر بخش‌ها از مهم‌ترین اهداف بنگاه‌ها و سازمان‌ها برای تأمین مالی است (۷).

می‌دانند. به‌طور مثال لیگ بسکتبال دانشگاه‌های سطح اول آمریکا (NCAA) مبلغ ۲/۸ میلیارد دلار قرارداد حق پخش این مسابقات را به مدت ۷ سال با شبکه CBS امضا کرد (۱۰). شبکه تلویزیونی ESPN در سال ۱۹۸۰ که پخش مسابقات بسکتبال ملی آمریکا را شروع کرد، ۱/۴ میلیون بیننده داشت، درحالی‌که این شبکه در سال ۲۰۰۴ برخوردار از ۸۸/۳ میلیون بیننده بود (۵). این افزایش بیننده رقابت بین شبکه‌های تلویزیونی را افزایش داده است؛ جذب بیننده بیشتر برابر است با جذب آگهی‌های تبلیغاتی بهتر و بیشتر، چراکه سفارش‌دهندگان تبلیغات، آگهی‌های خود را به شبکه‌های تلویزیونی پربیننده‌تر می‌دهند (۱۱).

اسپانسرشیپ نیز منبع مهم مالی برای باشگاه‌ها و فدراسیون‌های ورزشی محسوب می‌شود و عامل کلیدی است که سبب می‌شود وضعیت مالی باشگاه‌ها باثبات و مثبت باقی بماند. از طرفی بررسی شاخص‌های اقتصادی شرکت‌های حامی مالی در ورزش نشان می‌دهد که در بازه زمانی معین نرخ درآمد این شرکت‌ها رشد داشته است (۱۲). به‌عبارت دیگر، اسپانسرشیپ بعد از حق پخش مهم‌ترین منبع درآمدی در ورزش حرفه‌ای است، به‌ویژه در کشور عزیزمان ایران که از درآمدهای حق پخش محروم است، این منبع بعد از کمک‌های دولتی در رتبه اول قرار دارد. از سوی دیگر، اسپانسرشیپ ابزار مهم و کارآمد بازاریابی برای شرکت‌ها نیز محسوب می‌شود تا بتوانند برند خود را از طریق ورزش در جوی آرام و خاطره‌انگیز معرفی کنند. با توجه به اهمیت موضوع اسپانسرشیپ در اداره ورزش حرفه‌ای و کمک به خودکفا شدن آن، دولت‌ها نیز تلاش کردند تا با وضع قوانین تشویقی و کارآمد شرایط ورود شرکت‌ها و صنایع خصوصی به‌منظور حمایت مالی در ورزش را تسهیل کنند. به‌طور مثال دولت ترکیه در سال ۲۰۰۴ قانونی برای تشویق شرکت‌ها و صنایع جهت حمایت

همان‌طورکه از تعریف مذکور برمی‌آید، بین منابع درآمدی و روش‌های تأمین مالی ارتباط نزدیک و الزام‌آوری وجود دارد، چراکه شرط استفاده از روش‌های تأمین مالی برخوردار از دارایی و امکان سودآوری است و شرط سودآور شدن یک بنگاه یا باشگاه ورزشی برخوردار از منابع درآمدی متنوع و کافی است. رضایی (۱۳۹۵) در کتاب اقتصاد ورزش، اوقات فراغت و تفریحات، حمایت مالی و تبلیغات، بلیت‌فروشی، فروش محصولات تجاری باشگاه، درآمدهای حاصل از سرمایه‌گذاری، درآمدهای ناشی از ارزش افزوده یا تربیت و فروش بازیکنان، حق پخش تلویزیونی و شرط‌بندی را مهم‌ترین منابع درآمدزایی در ورزش معرفی کرده است (۸). سازمان اقتصادی دلویتی^۱ (۲۰۱۸) نیز درآمدهای روز بازی، حق پخش، اسپانسرشیپ/فعالیت‌های تجاری و فعالیت‌های تجاری و بازرگانی را به‌عنوان مهم‌ترین منابع درآمدی در ورزش حرفه‌ای فوتبال معرفی کرده است که به سایر رشته‌های ورزشی نیز قابل تعمیم است. براساس این گزارش حجم کل درآمد باشگاه‌های لیگ‌های اروپایی در فصل ۲۰۱۷-۲۰۱۸ مبلغ ۴۷۸۰ میلیون پوند بوده و در این میان سهم هر باشگاه ۲۳۹ میلیون پوند گزارش شده است (۹). برخوردار از این منابع درآمدی پویا و سرمایه در گردش و پتانسیل درآمدزایی، بستر ورزش حرفه‌ای در غرب را مهیای بهره‌مندی از انواع ابزارها و روش‌های تأمین مالی کرده است.

براساس گزارش سازمان اقتصادی دلویتی (۲۰۱۸) که اشاره شد از بین منابع مذکور حق پخش (۶۰ درصد) و اسپانسرشیپ (۲۷ درصد) بیشترین سهم را در بین روش‌های درآمدزایی در ورزش حرفه‌ای دارا هستند، در همین زمینه لوری و گرور^۲ (۲۰۰۴) رشد تأمین مالی در ورزش را مرهون پدیده رشد قراردادهای پخش تلویزیونی

2. Lowry, Grover

1. Deloitte

می‌تواند از جمله مزایای روش تأمین مالی جمعی باشد. هواداران معمولاً به واسطه احساس تعلقی که به باشگاه مورد علاقه خود دارند، تلاش می‌کنند از این طریق به بهبود شرایط و نتایج باشگاه کمک کنند. در حال حاضر برخی باشگاه‌های ورزشی که قصد احداث اماکن ورزشی دارند، با سازماندهی کمپین‌های تأمین مالی جمعی "یک آجر بخرید" هواداران و ذی‌نفعان خود را در فرایند تأمین مالی استادیوم موردنظر شریک می‌کنند و آجری را به نام فرد اهداکننده ثبت می‌کنند. در ابتکاری مشابه برای جذب سرمایه، از هواداران خواسته شده بود به خرید یک متر مربع از زمین چمن پردازند (۱۴). یکی دیگر از کارکردهای تأمین مالی جمعی تأمین مالی فروش حق نام استادیوم‌های ورزشی است. در سالیان اخیر به منظور افزایش درآمدهای حاصل از استادیوم‌ها و توسعه زیرساخت‌ها نام استادیوم‌ها برای مدتی معین واگذار می‌شود و این رویکرد با مقاومت‌های اجتماعی و عدم استقبال هواداران باشگاه‌ها مواجه شده است. باشگاه‌ها برای رفع این نقیصه از روش تأمین مالی جمعی استفاده کردند و با مشارکت مالی هواداران نام استادیوم را مطابق میل هواداران حفظ می‌کردند یا تغییر می‌دادند (۲۴). با توجه به ظرفیت‌های هواداری و قومی و محلی کشور در احساس تعلق هواداران به باشگاه ورزشی شهر خود به نظر می‌رسد بهره‌گیری از این روش‌های نوین تأمین مالی می‌تواند راهگشا باشد.

یکی دیگر از راه‌های کنترل هزینه‌ها و افزایش درآمدها و تأمین مالی باشگاه‌ها، ورود آنها به بورس است. بهره‌گیری از ظرفیت‌های بازار سرمایه و ابزارهای متنوع تأمین مالی در آن در سایر صنایع به خوبی شکل گرفته است. در سال‌های اخیر در صنعت ورزش به ویژه رشته‌های پرتطرفدار در کشورهای مختلف نیز شاهد ورود باشگاه‌ها به بازار سرمایه

از ورزش حرفه‌ای و آماتوری وضع کرد که طی آن برای حامیان مالی ورزش آماتوری ۱۰۰ درصد و برای حامیان مالی ورزش حرفه‌ای ۵۰ درصد معافیت مالیاتی در نظر گرفت. در اثر اجرای این قانون حجم درآمدهای ورزش حرفه‌ای این کشور از بخش اسپانسرشیپ از ۲۵۰ هزار پوند در سال ۲۰۰۳ به ۳۰ میلیون پوند در سال ۲۰۱۰ رسیده است (۱۳).

همان‌طور که اشاره شد علاوه بر منابع درآمدی مذکور که شرط استفاده از روش‌های تأمین مالی است، ابزارها و روش‌های نوینی نیز برای تأمین مالی در شرکت‌ها یا پروژه‌ها در سال‌های اخیر طراحی و کاربردی شده‌اند که در ورزش حرفه‌ای نیز قابلیت استفاده را خواهند داشت. از جمله این روش‌ها می‌توان به تأمین مالی جمعی (۱۴، ۱۵، ۱۶)، تأمین مالی از طریق ابزارها و روش‌های موجود در بازار سرمایه (۱۷، ۱۸) و روش‌های تأمین مالی پروژه همچون BOT^۱ و BLT^۲، PPPs^۳ (۲۰، ۲۱، ۲۲) و غیره اشاره نمود.

تأمین مالی جمعی سیستمی است برای تأمین مالی یک پروژه یا شرکت توسط گروهی از مردم به جای استفاده از شرکای حرفه‌ای همچون بانک‌ها و سرمایه‌گذاران خطرپذیر (۱۵). کوپوسوامی و بایوس (۲۰۱۸) تأمین مالی جمعی را به‌عنوان دریافت سرمایه از تعداد زیادی از افراد به صورت یک فراخوان که اغلب اینترنتی است، تعریف می‌کنند. آنها چهار رویکرد تأمین مالی مبنی بر اهدا (کمک مالی بدون چشم‌داشت)، مبتنی بر پاداش (کمک مالی در ازای دریافت پاداش غیر نقدی)، مبتنی بر بدهی (کمک مالی به صورت وام) و مبتنی بر سهم (کمک مالی در ازای دریافت سهم) را بررسی می‌کنند (۲۳). بهره‌گیری از پول کم افراد زیاد برای حل مشکلات مالی و سرمایه‌گذاری باشگاه‌های ورزشی

1. Build-Operate-Transfer
2. Build-Lease-Transfer
3. Public-Private Partnerships

اقتصادی کشور ناشی از سوء مدیریت داخلی و تحریم‌های ظالمانه خارجی و وجود بیش از ۴۰۰۰ پروژه ورزشی ناتمام در کشور (۲۶) و بهره‌مند نبودن باشگاه‌های ورزشی از دارایی‌های فیزیکی ملموس بهره‌گیری از روش‌های تأمین مالی پروژه مفید فایده خواهد بود (۱۹).

همان‌طور که اشاره شد، ورزش حرفه‌ای ظرفیت و منابع متعدد برای درآمدزایی دارد، از طرفی ابزارها و روش‌های نوین تأمین مالی در سال‌های اخیر نیز معرفی شده‌اند و در نقاط مختلف دنیا نیز استفاده شده‌اند. حال سؤال این است با وجود این منابع درآمدی و روش‌های نوین تأمین مالی در ورزش حرفه‌ای، مهم‌ترین موانع موجود بر سر راه باشگاه‌های ورزشی به‌عنوان مهم‌ترین و پویاترین بخش ورزش حرفه‌ای و همچنین فدراسیون‌های ورزشی به‌عنوان متولیان سازماندهی ورزشی حرفه‌ای در کشور چیست؟ از این‌رو در این پژوهش با دیدی جامع به شناسایی مهم‌ترین موانع تأمین مالی ورزش حرفه‌ای در کشور پرداخته می‌شود. علاوه بر موانع موجود بر سر راه منابع درآمدی موانع استفاده از روش‌های تأمین مالی نیز نقد و بررسی خواهد شد.

روش‌شناسی پژوهش

با توجه به هدف پژوهش که کشف و بررسی موانع تأمین مالی در ورزش حرفه‌ای در ایران است، از روش پژوهش کیفی با رویکرد پدیدارشناسی استفاده شد. در ابتدا به‌منظور تهیه راهنمای مصاحبه و اشراف تیم پژوهش بر زوایای پیدا و پنهان موضوع حجم گسترده‌ای از مقالات و منابع علمی مرتبط با موضوع مطالعه شد و پس از تدوین راهنمای مصاحبه با مراجعه به نخبگان مرتبط با موضوع پژوهش، فرایند جمع‌آوری داده آغاز شد. جامعه آماری پژوهش استادان اقتصاد و کارآفرینی، مدیریت ورزشی، مدیران ارشد ورزش حرفه‌ای و مدیران ارشد مرتبط با موضوع تأمین مالی بودند. به این منظور با ۲۰ نفر از نخبگان

بوده‌ایم. باشگاه‌های حرفه‌ای با ورود به بازار سرمایه ضمن تأمین نیازهای مالی خود در موضوعات مختلف مانند احداث فضاهای ورزشی اختصاصی، تقویت بنیه مالی و جذب بازیکنان باکیفیت‌تر، افزایش سرمایه در گردش، سرمایه‌گذاری در پرورش جوانان و کاهش بدهی‌ها می‌توانند به‌واسطه شفافیت، مسئولیت‌پذیری مالی بیشتر و گزارش‌دهی مرتب فعالیت‌های مالی باشگاه، موجب ارتقای اعتماد ذی‌نفعان و جذب حامیان مالی بیشتر در باشگاه شوند (۱۷). تحقیقات بیانگر این مهم بوده است که نتایج باشگاه‌ها بر ارزش سهام باشگاه‌ها تأثیر مثبت می‌گذارد و این مهم عاملی برای تلاش بیشتر بازیکنان در زمین ورزش و هواداران در خارج از زمین ورزش می‌شود تا از این طریق ارزش باشگاه و دارایی خود را ارتقا دهند (۱۸). باشگاه‌های ورزشی با ورود به بازار سرمایه می‌توانند از روش‌های متنوعی چون عرضه سهام و حق تقدم، افزایش سرمایه، صندوق پروژه، اوراق صکوک اجاره، مشارکت، استثنا، مباحه و غیره بهره‌مند شوند (۲۵).

شرایط پیچیده اقتصادی در بسیاری کشورها و کمبود نقدینگی دولت‌ها برای ساخت یا تکمیل زیرساخت‌ها به‌خصوص در حوزه ورزش عاملی برای گرایش به استفاده از ظرفیت‌های بخش خصوصی در ساخت و بهره‌برداری زیرساخت‌های ورزشی در قالب ابزارهای تأمین مالی پروژه مانند BOT شده است. در این روش باشگاه‌های ورزشی یا دولت‌ها و شهرداری‌ها برای تکمیل یا احداث فضاهای ورزشی اختصاصی یا عمومی از ظرفیت بخش خصوصی و سرمایه‌گذاران بهره می‌گیرند، به‌طوری که ساخت و بهره‌برداری از پروژه را برای مدت معین به شرکت یا شرکت‌های سرمایه‌گذار (کنسرسیوم) واگذار می‌کنند و پس از گذشت مدت زمان معلوم و کسب درآمد و تسویه بدهی‌ها توسط شرکت، پروژه بدون دریافت هزینه‌ای به کارفرما واگذار می‌شود (۲۰). بنابراین واضح است با توجه به شرایط

از روش نمونه‌گیری غیرتصادفی هدفمند استفاده شد. ملاک اتمام مصاحبه‌ها رسیدن به اشباع نظری بود. اشباع نظری از منظر استراوس و کوربین^۱ (۱۳۹۱) زمانی محقق می‌شود که الف) هیچ داده جدید یا مرتبط به یک مقوله به دست نیاید؛ ب) مقوله از لحاظ ویژگی‌ها و ابعاد به خوبی پرورش یافته باشد و گوناگونی‌های آن را به نمایش بگذارد؛ ج) مناسبات میان مقوله‌ها به خوبی مشخص و اعتبارشان ثابت شده باشد (۲۷). در جدول ۱ گزارش توصیفی نمونه‌های پژوهش ارائه شده است.

علمی و اجرایی ورزش، اقتصاد و مدیریت مالی کشور مصاحبه شد. در بین مصاحبه‌شوندگان ۱۱ نفر از استادان مطرح مدیریت ورزشی، اقتصاد و کارآفرینی، دو رئیس فدراسیون، یکی از مدیران ارشد کمیته ملی المپیک، یکی از معاونان وزارت ورزش و جوانان، دو مدیرعامل شرکت‌های تأمین سرمایه، یک مدیر سرمایه‌گذاری شرکت تأمین سرمایه، یکی از رؤسای سابق سازمان تربیت بدنی و دبیر سابق کمیته بازاریابی یکی از فدراسیون‌های ورزشی حضور داشتند. به‌منظور گردآوری داده‌ها نیز از مصاحبه نیمه‌ساخت یافته بهره گرفته شد. با توجه به ماهیت پژوهش

جدول ۱. گزارش توصیفی نمونه‌های پژوهش

متغیر	ویژگی جمعیت‌شناختی	فراوانی	درصد فراوانی
جنسیت	مرد	۱۸	۹۰٪
	زن	۲	۱۰٪
تحصیلات	دکتری	۱۲	۶۰٪
	کارشناسی ارشد	۸	۴۰٪
تخصص	استادان اقتصاد و کارآفرینی	۴	۲۰٪
	استادان مدیریت ورزشی	۷	۳۵٪
	مدیران ارشد ورزش حرفه‌ای	۶	۳۰٪
	مدیران ارشد تأمین مالی	۳	۱۵٪

بیان کنند. در نهایت و پس از تأیید مصاحبه‌شوندگان داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها با روش کدگذاری باز، محوری و گزینشی تجزیه و تحلیل شد و مهم‌ترین موانع تأمین مالی در ورزش حرفه‌ای ایران گزارش شد.

یافته‌های پژوهش

همزمان با اجرای مصاحبه‌ها و با استفاده از مبانی نظری پژوهش تحلیل و کدگذاری داده‌های حاصل از هر مصاحبه نیز صورت می‌گرفت؛ به طوری که نتایج هر مصاحبه به‌همراه یافته‌های قبلی، به‌عنوان راهنمای مصاحبه و معیاری برای

تمامی مصاحبه‌ها در بازه زمانی پاییز و زمستان ۱۳۹۷، در محلی مناسب به پیشنهاد مصاحبه‌شونده انجام گرفت. جلسات مصاحبه بین ۳۰ تا ۹۰ دقیقه به طول انجامید. در زمان انجام مصاحبه با کسب اجازه از مصاحبه‌شوندگان، تمامی مصاحبه‌ها توسط دستگاه ضبط صدا و موبایل ضبط و پس از اتمام مصاحبه به‌طور دقیق به متن تبدیل شد. در نهایت پس از تبدیل مصاحبه‌ها به متن، نسخه‌ای از مصاحبه پیاده و کدگذاری شده برای مصاحبه‌شوندگان ارسال می‌شد تا نظر خود را در مورد صحت متن مصاحبه‌ها و عدم سوگیری مصاحبه‌کننده در انتقال مطالب و کدگذاری‌ها

از اقتصاد ناکارآمد، چالش‌های مالی، چالش‌های حقوقی و قانونی، چالش‌های مدیریتی، نقض مالکیت و فقدان شفافیت و موانع بنیادی متشکل از چالش‌های نگرشی و دانشی، دولتی بودن، سیاست‌زدگی و فساد به‌عنوان مهم‌ترین موانع تأمین مالی در ورزش حرفه‌ای ایران شناسایی شدند.

انتخاب مصاحبه‌شوندگان بعدی استفاده می‌شد. در اثر تجزیه و تحلیل موانع تأمین مالی در ورزش حرفه‌ای ایران دو مقوله اصلی، ۱۰ مقوله فرعی و ۱۳۰ کد باز شناسایی شد. نتایج کامل حاصل از کدگذاری مصاحبه‌ها در جداول ۲ و ۳ به تفکیک دو مقوله اصلی موانع عملکردی و بنیادی آمده است. براساس نتایج این پژوهش موانع عملکردی متشکل

جدول ۲. موانع عملکردی تأمین مالی در ورزش حرفه‌ای ایران

مقوله فرعی	کد باز
اقتصاد ناکارآمد	سودهای بالا در سرمایه‌گذاری روی سکه و ارز و خودرو
	اکوسیستم غیراقتصادی ورزش حرفه‌ای
	فقدان بستر و لوازم لازم برای سرمایه‌گذاری در ورزش حرفه‌ای
	بلاتکلیفی در حوزه اقتصادی کشور
	پیروی اقتصاد ورزش از شرایط اقتصاد کشور
	توزیع ناعادلانه منابع در کشور و تعلق شهرستانی‌ها به پایتخت
	خارج از حوزه اختیارات مدیریت ورزش بودن اصلاح محیط اقتصادی ورزش حرفه‌ای
	ضعف قدرت اقتصادی و معیشت مردم
	فقدان اطمینان در سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت
	فقدان اقتصاد آزاد و فرهنگ رقابت در بخش خصوصی ایران
	محدودیت‌های موجود برای نقل و انتقال پول
ناپایداری اقتصاد نفتی	
چالش‌های مالی	اقتصادی نبودن استادیوم‌سازی در ایران
	فقدان دارایی ملموس در باشگاه‌ها
	باشگاه‌های ما یک تیم هستند و یک لوگو
	بالا بودن هزینه سرمایه‌گذاری در ورزش و بازده کم
	بدهی‌های بالا در باشگاه‌ها
	بی‌رغبتی برای اسپانسر شدن و تبلیغات
	بی‌رغبتی شرکت‌های بزرگ بین‌المللی برای ورود به ورزش حرفه‌ای ایران
	زیان‌ده بودن باشگاه‌های ورزشی
	فقدان استفاده از ابزارهای نوین مالی به دلیل سود زا نبودن یا امکان سوددهی نداشتن
	نداشتن آمادگی روانی هواداران برای پرداخت بهای واقعی خدمات ورزش حرفه‌ای
	مسدود بودن راه‌های درآمدی در ورزش
نوپا بودن پدیده تأمین مالی در ایران	
نقض مالکیت	اجرائی نشدن قانون کپی‌رایت در کشور
	برخورد سلیقه‌ای مدیران صداوسیما در حوزه حق پخش
	به رسمیت شناخته نشدن حق پخش در کشور
	بهره‌برداری یکطرفه صداوسیما از ورزش حرفه‌ای
	عدم برخورد قضایی با کپی کارها و سوءاستفاده کنندگان از برندهای ورزشی
	عدم حمایت حقوقی و قانونی و قضایی از حق مالکیت مادی و معنوی باشگاه
	فقدان قوانین بازدارنده با ناقضان حقوق باشگاه‌ها و بخش خصوصی
	اقتصاد دلال‌محور و دلال‌دوست
	انحصاری و رانتهی بودن اقتصاد کشور
	زندانی شدن صاحبان سرمایه زیاد در ورزش حرفه‌ای
	فقدان شفافیت

مقوله فرعی	کد باز
	پول‌شویی در ورزش در لوای خصوصی‌سازی
	فقدان شفافیت مالی و اطلاعاتی در ورزش حرفه‌ای ایران
	محرمانه و امنیتی بودن اطلاعات در ورزش حرفه‌ای
	اجرای ناقص و نامناسب قانون یک درصد
	اهمال قانونگذاران و قوه قضاییه
	تسامح و تساهل در اجرای قوانین ناقص موجود
	<u>حاکمیت روابط و قدرت در ورزش حرفه‌ای</u>
	ضعف قوانین تجاری کشور
	تصویب قوانین بدون فراهم ساختن لوازم و ابزار
	غیراقتصادی بودن الزام وزارت به واگذاری اماکن ورزشی
	فراهم نکردن بستر اجرایی قوانین مصوب مانند اصل ۴۴ و غیره
	نبود زیرساخت‌های ساختاری و زیربنایی برای تأمین مالی در ورزش حرفه‌ای
	فقدان قوانین کارا برای درآمدزایی و تأمین مالی در ورزش
	<u>فقدان مشوق و حمایت از سرمایه‌گذاران و حامیان ورزش حرفه‌ای</u>
	قوانین ناکارآمد و زائد و متعارض
	محدودیت قانونی برای استفاده از شرکت‌های خارجی برای اسپانسرینگ
	تعارض قانون اساسی با بهره‌گیری از حق پخش
	بی‌توجهی به آژانس‌های رسمی انتقال بازیکن
	ناکارآمد بودن قانون فعلی مالیاتی برای شرکت‌ها
	ضعف در حوزه حقوق ورزشی
	ناآشنایی باشگاه‌ها با حق و حقوق خود
	فقدان زیرساخت‌های حقوقی برای استقرار ورزش حرفه‌ای
	مدیریت مبتنی بر سلیقه در ورزش حرفه‌ای
	افزایش غیرمنطقی و لجام‌گسیخته قیمت بازیکنان
	عدم کنترل بر بازیکن‌ها به‌علت بدهی‌های بالا
	<u>سوء مدیریت در باشگاه‌ها</u>
	اعتبار پایین برند باشگاه‌ها
	فقدان بهره‌گیری از روش‌های ارزش‌گذاری و قیمت‌گذاری
	بی‌توجهی به بیزنس مدل متقاضیان بخش خصوصی به‌منظور فعالیت در ورزش حرفه‌ای
	بی‌ثباتی مدیریت در ورزش حرفه‌ای
	<u>فقدان ذهن برنامه‌محور در مدیریت کشور</u>
	فقدان شایسته‌سالاری در انتخاب مدیران
	فقدان مدیران حرفه‌ای تأمین مالی در باشگاه‌ها
	فقدان نیروی آموزش‌دیده در صنعت ورزش
	مدیران غیرمتخصص و ناتوان
	ناتوانی در جذب هوادار
	ناتوانی در محاسبه قیمت تمام‌شده خدمات و فعالیت‌های ورزش
	مدیریت مبتنی بر سلیقه در ورزش حرفه‌ای

چالش‌های حقوقی و قانونی

چالش‌های مدیریتی

جدول ۳. موانع بنیادی تأمین مالی در ورزش حرفه‌ای ایران

مقوله فرعی	کدباز
دولتی بودن	اقتصاد دولتی
	ترس دولت از آسیب دیدن ورزش حرفه‌ای در صورت واگذاری
	نگرش سرمایه‌گذاری در ورزش به‌عنوان مسئولیت اجتماعی
	حاکمیتی بودن صداوسیما
	حضور کمرنگ بخش خصوصی
	دخالت‌های دولتی و حاکمیتی در اداره باشگاه‌های ورزشی
	دولتی بودن ورزش و ریشه تاریخی آن
	روح قانون اساسی دولتی است
	ضعیف نگاه‌داشته شدن بخش خصوصی
	اراده ضعیف حاکمیت بر اقتصادی شدن ورزش حرفه‌ای
	اراده ضعیف حاکمیت بر واگذاری ورزش حرفه‌ای
	فقدان شجاعت در جدا شدن ورزش از دولت
	فقدان کارایی در مدیریت و سازمان‌های دولتی
	مالکیت دولتی فضاها و اماکن ورزشی
ناتوانی دولت در واگذاری صنایع و کوچک‌سازی در همه حوزه‌ها	
نگرش بودجه‌محور و مدیریت هزینه در مدیران	
وابستگی منابع مالی باشگاه‌های کشور به نفت و صنایع بزرگ دولتی	
وابسته نبودن پاداش‌ها به عملکرد در رویکرد دولتی	
وابسته نگاه‌داشتن مالی فدراسیون‌ها و باشگاه‌ها ابزاری برای کنترل و دخالت	
سیاست زدگی	اقتصاد سیاسی کشور
	انتصاب مدیران وابسته مبتنی بر روابط
	بهره‌برداری‌های سیاسی و اجتماعی و انتخاباتی از باشگاه‌ها و ظرفیت آنها
	ترس دولت و حاکمیت برای از دست دادن کنترل ورزش حرفه‌ای
	نیاز دولت به ظرفیت‌های اجتماعی ورزش حرفه‌ای
	سیاسی بودن ورزش حرفه‌ای در ایران
	ظرفیت‌های اجتماعی ورزش عامل محدودیت‌ها و دخالت‌های حاکمیتی
	علاقه و سوءاستفاده سیاسیون از ورزش حرفه‌ای
	وجود مدیران سیاسی در ورزش حرفه‌ای
	نگرانی‌ها و نگرش‌های امنیتی به حوزه ورزش حرفه‌ای
ورود اسطوره‌های ورزشی به دنیای سیاست	
فساد	برخورداری از رانته‌ها، وام و فرصت‌های دیگر به‌واسطه حضور در ورزش
	بی‌اعتمادی مأموران مالیاتی در حسابرسی بخش‌های حامی ورزش
	پارتی‌بازی و تعصبات قومی و قبیله‌ای
	سهولت سندسازی و دور زدن قوانین
	سوء استفاده بخش‌های حامی ورزش در رد کردن سایر هزینه‌ها به‌عنوان هزینه ورزشی
	بی‌رغبتی بخش خصوصی برای سرمایه‌گذاری در ورزش به‌دلیل فساد دستگاه مالیاتی
فسادزا بودن ساختار حقوقی و مقرراتی کشور	
کسب محبوبیت و معروفیت از سرمایه‌گذاری در ورزش	
خلق منافع از وضع موجود ورزش حرفه‌ای برای برخی افراد و گروه‌ها	
موانع نگرشی و دانشی	ارتباط محدود دولت با مجامع علمی
	رویکردهای غلط، غیراصولی و عجولانه در واگذاری‌ها
	اولویت پایین ورزش در نگاه مقامات و حاکمیت

مقاله فرعی	کدباز
باورهای غلط در خصوص ورزشی بودن مدیران باشگاه‌ها بی‌توجهی به ایجاد بخش بازاریابی و اقتصاد ورزش پرداختن به معلول به جای اصلاح علت‌ها ترس از واگذاری به دلیل تجربیات شکست در واگذاری‌های قبلی تقلید ناقص از غرب باور ضعیف به کارکردهای اقتصادی ورزش حرفه‌ای فقدان حمایت باشگاه‌ها از رشته‌های خاص فقدان اعتماد در جامعه کمبود آگاهی از اصول بازاریابی و اهمیت آن ناآگاهی قانونگذاران مجلس از اهمیت تأمین مالی ورزش حرفه‌ای ناآگاهی مدیران از مسائل حقوقی و قراردادهای و وارد شدن خسارت‌های مالی نداشتن نگرش اقتصادی و درآمدزایی در مدیران ورزش حرفه‌ای نگرش ابزاری و غیر سازنده به حامیان مالی در ایران تبعیض در نظام رسانه‌ای بین رشته‌های ورزشی نگرش ناصحیح و شناخت ناقص مسئولان کشور از ورزش حرفه‌ای	

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر شناسایی موانع تأمین مالی در ورزش حرفه‌ای ایران بود. پس از انجام مصاحبه‌های کیفی نیمه‌ساخت‌یافته با ۲۰ نفر از نخبگان علمی و اجرایی ورزش، اقتصاد، کارآفرینی و مدیریت مالی کشور مهم‌ترین موانع تأمین مالی ورزش حرفه‌ای کشور در قالب ۲ مقوله اصلی موانع عملکردی و بنیادی و ۱۰ مقوله فرعی شامل اقتصاد ناکارآمد، چالش‌های مالی، چالش‌های حقوقی و قانونی، نقض مالکیت، چالش‌های مدیریتی، فقدان شفافیت، فساد، دولتی بودن، سیاست‌زدگی و موانع نگرشی و دانشی شناسایی شد. در ادامه به بیان نقل‌هایی از مصاحبه‌شوندگان و تفسیر نتایج پژوهش پرداخته می‌شود.

یکی از موانع مهم تأمین مالی در ورزش حرفه‌ای کشور اقتصاد ناکارآمد ملی است. طبعاً نمی‌توان انتظار داشت عملکرد اقتصادی ورزشی کشور مستقل از شرایط اقتصاد کشور باشد. در این خصوص یکی از مصاحبه‌شوندگان (P18) گفت: «وقتی می‌خواهیم به بحث ورزش حرفه‌ای بپردازیم، اقتصاد کشور را باید اول ببینیم چه وضعی دارد، چون شما اقتصاد ورزش را باید در قالب اقتصاد کلی کشور

مورد بررسی قرار بدهید. وقتی اقتصاد کشور، اقتصاد ناکارآمدی است، نیایست انتظار داشته باشیم که این در فلان بخش بتواند کمک من بکند». در اقتصادی که سرمایه‌گذاری‌های کاذب روی سکه، ارز، ماشین و مسکن می‌تواند سودهای کلانی را نصیب صاحبان سرمایه بکند، به‌نظر نمی‌رسد بتوان سرمایه‌های بخش غیردولتی را به سمت فعالیت‌های اساسی و اصولی هدایت کرد. از طرفی اکوسیستم غیراقتصادی و غیرسودآور ورزش حرفه‌ای در کشور نیز مزید بر علت می‌شود. بنابراین استقبال از سرمایه‌گذاری‌های مولد به‌خصوص در حوزه ورزش توسط بخش غیردولتی به حداقل می‌رسد؛ در این خصوص یکی از مصاحبه‌شوندگان (P7) گفت: «نفس ورزش حرفه‌ای در ایران سودآور نیست، سرمایه‌گذار فرصت‌های دیگر دارد. من در جیبم می‌بینم که الان صد دلار دارم می‌گویم که این صد دلار را بروم جنس، یا سکه و ارز بخرم و بفروشم یا بروم در ورزش سرمایه‌گذاری کنم. خب طبیعی است که در ورزش سرمایه‌گذاری نمی‌کنم». آفت دیگر غیررقابتی بودن محیط اقتصادی کشور است، اصولاً در محیط اقتصاد آزاد و رقابتی است که شرکت‌ها و هلدینگ‌های اقتصادی به‌منظور

داخلی و خارجی را اصلاح ساختار اقتصاد شامل استقرار اقتصاد آزاد رقابتی و فراهم آوردن بسترهای لازم به‌منظور سرمایه‌گذاری اعلام کردند (۲۸).

چالش‌های مالی موجود در ورزش حرفه‌ای کشور نیز از دیگر موانع مهم تأمین مالی است. از مهم‌ترین عواملی که فعالیت‌های اقتصادی و جذب سرمایه و منابع مالی در هر حوزه‌ای از جمله ورزش حرفه‌ای را تسهیل می‌کند، امکان سودآوری است. در این خصوص یکی از مصاحبه‌شوندگان (P7) گفت: «یک فلسفه‌ای کلاً در بازار سرمایه وجود دارد و آن هم اینکه شرکت‌ها یا نهادهایی قرار است در این بازار فعالیت کنند یا تأمین مالی کنند که ماهیتاً بنگاه‌های اقتصادی تجاری باشند، یعنی ماهیت کسب‌وکار درآمدزا و سودزا بودن است. اگر بیزینسی، خودش سودده نیست یا قرار نیست سودده بشود، ماهیتاً بازار سرمایه و اکوسیستم تأمین مالی برای این نوع نهادها ساخته نشده است». اساساً هدف سرمایه‌گذاران و شرکت‌های تجاری در سرمایه‌گذاری کسب سود یا بازاریابی برای برند و محصولات است. بی‌شک ورزشی که بدهی‌های بالا دارد، زیان‌ده است، هزینه‌های باشگاه‌داری در آن روزبه‌روز در حال افزایش است. از طرفی ابزارهای درآمدزایی آن مانند حق پخش، حق مالکیت معنوی، اعطای برند و فروش کالا و خدمات اختصاصی به رسمیت شناخته نشده است. در حوزه استفاده از ابزارهای تأمین مالی دچار چالش‌های جدی خواهد بود. استادیوم‌ها نیز در ورزش حرفه‌ای دنیا یکی از منابع مالی ارزشمند محسوب می‌شوند و از ابتدا متناسب با ظرفیت‌سازی برای خلق درآمد طراحی می‌شوند (۲۹) و علاوه بر تبلیغات دور زمین و امثال آن بخشی از منابع مالی ورزش تحت عنوان روز بازی (۹) را به خود اختصاص داده است. این در حالی است که استادیوم‌ها در ایران اقتصادی طراحی نشده‌اند و ظرفیت‌های درآمدزایی در حداقل میزان ممکن است. از طرفی باشگاه‌ها در جلب نظر هواداران برای استقبال از

افزایش آگاهی از برند و جذب مشتریان وفادار اقدام به تبلیغات و حمایت مالی در ورزش حرفه‌ای می‌کند. در اقتصاد رانتی غیررقابتی شرکت‌ها انگیزه‌ای برای استفاده از ابزارهای نوین تبلیغاتی و بازاریابی در ورزش حرفه‌ای ندارند، بنابراین منابع درآمد ورزش افول پیدا می‌کنند و توان باشگاه‌ها برای تأمین مالی و جذب سرمایه به حداقل می‌رسد (۲۸). در این خصوص نیز یکی از مصاحبه‌شوندگان (P8) گفت: «چون اصلاً قوانین اجازه نمی‌دهد که کسی دیگر بیاید و رقابت کند. رقابت وجود ندارد، بسیاری صنایع و فرصت‌ها در انحصار هستند. عدم وجود این رقابت، اسپانسرینگ و علاقه به تبلیغ و اسپانسر شدن را از بین برده است. این یکی از بزرگ‌ترین معضلات ما بوده است». وضع معیشت مردم و پایین بودن سطح اقتصادی جامعه نیز از دیگر مفاهیم مقوله اقتصاد ناکارآمد است. در جامعه‌ای که مردم اولویت اصلی‌شان تأمین نیازهای اساسی خود و خانواده است، طبعاً میزان هزینه و استقبال از محیط‌ها و رویدادهای ورزشی کاهش پیدا می‌کند و به دنبال آن استقبال حامیان مالی و سرمایه‌گذاران کاهش می‌یابد، چراکه آنها در پی دیده شدن یا کسب سود هستند، در نتیجه پدیده تأمین مالی در باشگاه‌های ورزشی با چالش‌های جدی مواجه می‌شود. در این خصوص نیز یکی از مصاحبه‌شوندگان گفت (P3): «اگر یک جامعه‌ای فقیر و گرسنه باشد این برایش دیگر امکان‌پذیر نیست با این قیمت‌هایی که از آن طرف می‌رود بالا بیاید بنشیند فوتبال تماشا کند». در همین زمینه مرادی چالشگری و همکاران (۱۳۹۲) عوامل منتج از ساختار اقتصادی را مانع جذب سرمایه‌گذار خارجی در فوتبال اعلام می‌دارد. الهی و همکاران (۱۳۸۸) نیز ریشه بخشی از موانع جذب درآمدهای ناشی از حامیان مالی در فوتبال را ساختار ناکارآمد اقتصادی کشور معرفی می‌کند. کومار و پاپ‌کو (۲۰۱۱) نیز مهم‌ترین دلیل موفقیت چین در تأمین مالی

بازی‌ها راهبردهای روشن و موفق ندارند. ترابی و همکاران (۱۳۹۴) مهم‌ترین منابع تأمین مالی در ورزش حرفه‌ای انگلستان را حق پخش (۶۵ درصد)، درآمد روز مسابقه (۲۱ درصد) و جریان نقد حاصل از تجارت (۲۲ درصد) معرفی کرده است. در این خصوص یکی از مصاحبه‌شوندگان (P1) گفت: «شما ببینید ما در ورزش ظرفیت‌های بالایی برای درآمدزایی داریم منتهی قابلیت استفاده ندارد، زیرساخت لازم برای بهره‌مندی از آن را نداریم، ظرفیت‌ها بالفعل درآمدزایی ورزشی در دنیا سال‌هاست که در ایران یک ظرفیت بالقوه است. الان باشگاه‌های ما غیر از دولت و جلب حمایت مالی از صنایع و اسپانسرها نتوانستن هیچ‌کدام از این ظرفیت‌ها را نقد کنند، خروجی‌اش این شده که همه باشگاه‌های ما زیان‌ده هستند و بدهی انباشته دارند». یکی دیگر از عوامل مؤثر در جذب سرمایه و تأمین مالی بهره‌مندی از دارایی‌های ملموس برخوردار از جریان درآمدی است. در کشور ما متأسفانه تقریباً تمام باشگاه‌های ورزشی فاقد دارایی فیزیکی‌اند، ساختمان‌های اداری و تجاری، زمین‌های تمرینی یا استادیوم‌ها و فضاهای ورزشی دارایی‌هایی هستند که خود می‌توانند ابزاری برای تأمین مالی مبتنی بر بدهی باشند که باشگاه‌های ورزشی از آن محروم‌اند. در این خصوص یکی از مصاحبه‌شوندگان (P20) گفت: «باشگاه‌های ورزشی در ایران یک تیم هستند و یک لوگو»، یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان (P10) نیز گفت: «اگر بنگاه اقتصادی یک دارایی پایه داشته باشد مثلاً من یک زمین دارم ساختمان دارم خود ساختمان ده میلیارد بیست میلیارد می‌ارزد و خود آن بنگاه یک جریان درآمدی دارد. می‌تواند روی این دارایی تأمین مالی بکند». رضایی و همکاران (۱۳۹۴) در نتیجه‌گیری پژوهش خود اعلام می‌دارند باشگاه‌های ورزشی در ایران زیان‌ده‌اند و مؤلفه‌ها و منابع درآمدی لازم برای واگذاری را دارا نیستند (۳۰).

حقوقی و قانونی که از مهم‌ترین موانع تأمین مالی در ورزش حرفه‌ای ایران است، اشاره کرد. چالش‌های حقوقی و قانونی را می‌توان در سه دسته طبقه‌بندی کرد: بخشی از این چالش‌ها ناظر بر خلأهای قانونی است، یعنی اصلاً زیرساخت قانونی مناسب وجود ندارد، بخشی از این چالش‌ها ناظر بر ضعف در حوزه اجرا و نظارت است، یعنی اندک قوانین موجود نیز به‌خوبی عمل نمی‌شوند یا بستر اجرای آن در مقررات فراهم نشده است یا دستگاه‌های مسئول در حوزه نظارت همچون قوه قضاییه و نیروی انتظامی نیز برخورد قاطعی با ناقض آن نمی‌کنند و دسته آخر نیز ناظر بر وجود قوانین متعارض و مانع است که فرایند تأمین مالی را با چالش‌های جدی مواجه می‌کند. همان‌طور که در دو بخش قبل اشاره شد، از مهم‌ترین چالش‌های موجود تأمین مالی در ورزش کشور چالش‌های اقتصادی و مالی است که ریشه بسیاری از این چالش‌ها فقدان قانون و مقررات یا وجود قوانین متعارض است. به‌طور مثال در حوزه حق پخش، قانونی مبنی بر پذیرش حق باشگاه‌های ورزشی در خصوص عکس و فیلم ورزشکاران یا مسابقاتشان وجود ندارد، بلکه قانون اساسی کشور به‌طور کلی حق انتشار تصویر را در انحصار صداوسیما قرار داده است و این کار را دشوارتر می‌کند. علاوه بر این در ورزش کشور ما، ورزش حرفه‌ای و حوزه تأمین مالی در ورزش هیچ‌کدام از اینها قانون منسجم و کارآمدی ندارند. باشگاه‌های ورزشی در ایران براساس قانون نمی‌توانند از حامیان مالی بین‌المللی استفاده کنند و در حوزه مالکیت معنوی نیز قانونی برای حراست از نام و برند باشگاه‌های ورزشی وجود ندارد، درحالی‌که چنین قانون‌هایی به‌تازگی در عرصه هنر و موسیقی وضع شده است. در این خصوص یکی از مصاحبه‌شوندگان (P17) گفت: «یکی قوه مقننه است که باید این را مشخص بکند که کی صاحب این اثر هست. هنرمند می‌رود توی تلویزیون بازی می‌کند و بعد پول هنرش را می‌گیرد. موزیسین می‌آید

در ادامه بررسی موانع عملکردی می‌توان به چالش‌های

کنم را به خود مأمور مالیاتی می‌دهم چند برابر، همه‌اش را می‌بخشم به چه علت دو میلیارد هزینه کنم» یا مصاحبه‌شونده‌ای (p14) گفت: «باید امکانات و تسهیلات بیشتری در اختیار بنگاه‌ها قرار داده شود، مثلاً هزینه در ورزش بخشی از مالیات پرداختی‌شان باشد». در همین زمینه قره‌خانی (۱۳۸۹) موانع حقوقی و قانونی را از مهم‌ترین موانع خصوصی‌سازی ورزش حرفه‌ای اعلام می‌کند (۳۱)، رضایی (۱۳۹۶) نیز سازوکارهای حقوقی و قانونی را از مهم‌ترین عوامل تحقق مدل درآمدزایی باشگاه‌های فوتبال ایران می‌داند (۸). امیری و همکاران (۱۳۹۲) نیز خلأها و ابهامات قانونی و فقدان مقررات و آیین‌نامه‌های کاربردی و شفاف را از مهم‌ترین موانع خصوصی‌سازی و مشارکت بخش خصوصی در ورزش معرفی کردند (۳۲).

از دیگر موانع عملکردی تأمین مالی در ورزش حرفه‌ای ایران نقض مالکیت است. از مهم‌ترین مصادیق نقض مالکیت در ورزش حرفه‌ای فقدان بهره‌مندی از حق پخش و مالکیت نام و نشان باشگاه است. همان‌طور که اشاره شد، براساس اعلام سایت معتبر دلویتی (۲۰۱۸) مهم‌ترین منابع مالی در ورزش حرفه‌ای حق پخش، درآمدهای روز بازی، اسپانسرشیپ و فعالیت‌های تجاری است. ملاحظه می‌شود به‌واسطه نقض مالکیت باشگاه‌های ورزشی در کشور، منابع حق پخش و فعالیت‌های تجاری و به‌دلیل برخوردار نبودن از اماکن ورزشی اختصاصی منبع درآمدهای روز بازی در پایین‌ترین حد ممکن قرار دارد. فرد، دِسچریور و مُندِلو (۲۰۱۳)، نیز تحول در منابع مالی باشگاه‌ها را مرهون تحول در میزان قراردادهای حق پخش معرفی می‌کنند (۵). ترابی و همکاران (۱۳۹۴)، رضایی (۱۳۹۶)، الهی و همکاران (۱۳۸۸) و زارع و همکاران (۱۳۹۳) (۳۳) و بسیاری منابع دیگر به نقش محوری حق پخش در تأمین مالی و معرفی آن به‌عنوان یکی از مهم‌ترین موانع درآمدزایی اشاره کردند.

موزیک می‌زند. فوتبالیست هم با هر تیمی که می‌رود بازی می‌کند یک اثری دارد که این اثر جزو کنوانسیون اعمال جهانی هم هست که ورزش را به‌عنوان اثر ورزشکار، اثر مربی، اثر مدیر تعریف کردند و این اثرها هزینه دارد». در خصوص اهمال‌کاری نهادهای ناظر بر حسن اجرای قوانین نیز یکی از مصاحبه‌شوندگان گفت: «در کشور همین قانونی ضعیفی هم که در باب کپی‌رایت هست به‌خوبی عمل نمی‌شود و قوه قضاییه و نیروی انتظامی عمل با آن را اجحاف به مردم می‌دانند و می‌گویند نون آجر می‌شود بنابراین این قانون‌شکنی گسترده‌تر می‌شود، به‌راحتی لباس باشگاه‌های ورزشی در همه‌جا تولید می‌شود و نه با تولیدکننده و نه با فروشند بر خوردی صورت نمی‌گیرد». برخی قوانین نیز نقص‌های جدی دارند و بستری برای اجرای آنان فراهم نشده است، مثل قانون یک درصد صنایع دولتی که می‌توانند هزینه ورزش کنند یا اصل ۴۴ قانون اساسی، در برخی موارد هم برای تسهیل فرایند تأمین مالی حاکمیت کشورها باید قوانین تشویقی وضع کنند. به‌طور مثال در ترکیه در سال ۲۰۰۳ قانونی وضع می‌شود که برای حامیان مالی ورزش حرفه‌ای ۵۰ درصد و برای حامیان ورزش غیرحرفه‌ای ۱۰۰ درصد معافیت مالیاتی صادر می‌شود (۱۳). این در حالی است که قانون فعلی در کشور هزینه در ورزش را تا سقفی مشخص جزو هزینه‌های قابل قبول می‌پذیرد و این خود منشأ فساد شده است. چرا شرکت‌ها تلاش می‌کنند سایر هزینه‌های غیرقابل قبول خود را در قالب هزینه‌های ورزشی سندسازی کنند یا اینکه مأموران مالیاتی به‌علت بی‌اعتمادی بسیاری از هزینه‌های ورزشی صنایع را نمی‌پذیرند، در این خصوص یکی از مصاحبه‌شوندگان (p4) گفت: «مثلاً بخش خصوصی مطابق قانون بودجه، پولی که در اینجا هزینه می‌کند جزو هزینه‌های قابل قبول محسوب می‌شود خب فلان کارخانه‌دار می‌گفت من ۵ درصد مبلغی که می‌خواهم هزینه

فقدان شفافیت یکی دیگر از موانع تأمین مالی ورزش حرفه‌ای بود که در این پژوهش شناسایی شد. نبود شفافیت در اداره اقتصاد و ورزش کشور خود سبب بروز فسادها و گرفتاری‌های فراوان شده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد باشگاه‌ها و فدراسیون‌های ورزشی با رعایت شفافیت در اداره ورزش می‌توانند سود بیشتری را کسب کنند. میچی و اتقن (۲۰۰۵) به نقل از امیرتاش و مظفری (۱۳۹۳) اظهار می‌دارند هواداران و حامیان مالی از باشگاه‌هایی که شفافیت اطلاعاتی و مالی دارند، حمایت بیشتری به عمل می‌آورند (۱۷). در خصوص شفافیت یکی از مصاحبه‌شوندگان (p9) گفت: «شما بروید به سایت باشگاه فلان، تمام اطلاعات مالی باشگاه آنجا هست. چقدر بازیکن خریده است، چقدر بازیکن فروخته است، چقدر درآمد داشته است، چقدر بلیت فروخته است، چقدر ضرر کرده است. درحالی‌که من خودم برای کار پژوهشی خودم با التماس از باشگاه‌ها اطلاعات می‌گرفتم. با التماس و اعمال نفوذ و پارتی‌بازی! مگر چه اطلاعاتی می‌خواستم؟». به گفته برخی مصاحبه‌شوندگان همین عدم شفافیت سبب شده است برخی سرمایه‌گذاران ناهل در لوای ورزش حرفه‌ای به پول‌شویی بپردازند. (P3) «بخشی از حضور آن کسانی که به اسم بخش خصوصی وارد ورزش حرفه‌ای در ایران شدند عمدتاً پول‌شویی بود».

چالش‌های مدیریتی آخرین مقوله فرعی مرتبط با موانع عملکردی تأمین مالی در ورزش حرفه‌ای بود. چالش‌های مدیریتی در پژوهش را با دو رویکرد می‌توان توصیف کرد؛ یکی چالش‌هایی که از مدیر و مدیریت ناشی می‌شود، مثل سوء مدیریت‌ها، وابسته بودن مدیران، غیرمتخصص و غیرمتعهد بودن و غیره و دیگری چالش‌هایی که مدیر با آن مواجه است. به‌طور مثال افزایش لجام‌گسیخته قیمت بازیکنان و خدمات باشگاه‌داری. مدیریت سلیقه‌ای، بی‌توجهی به روش‌های ارزش‌گذاری، بی‌توجهی به طرح کسب‌وکار (BP) در مدیریت باشگاه‌های ورزشی، بی‌ثباتی

و بی‌برنامگی از جمله مفاهیم شناسایی‌شده در خصوص موانع ناشی از مدیریت در ورزش حرفه‌ای ایران است. در این خصوص یکی از مصاحبه‌شوندگان (p4) گفت: «یکی از مشکلات ما این است که ذهن برنامه‌محور در مدیریت کشور کم داریم، اینها مدیریت ورزش را صرفاً مالی و از جنس نقدی می‌بینند. برنامه‌هایشان را هم بر همان اساس می‌خواهند پیاده کنند. پول ندارم، پس کار نمی‌شود کرد! درحالی‌که هر مجموعه‌ای برای خودش یک اعتباری دارد، با بهره‌گیری از آن می‌تواند برنامه‌ریزی‌هایی داشته باشد و به مرحله اجرا برساند». دیگری (p17) گفت: «ولی با آن چیزی که باید باشیم و آن چیزی که در دنیا دارد می‌گذرد ما فاصله داریم. دلیلش این است که براساس سلیقه مدیر می‌آید الگوها و ضوابط را اجرا می‌کند و ممکن هم هست که یک چیزهایی اضافه بکند و یک چیزهایی را هم کم بکند، در صورتی باید مطابق اصول الگو گرفته شود و اجرا شود». برخی چالش‌ها نیز وجود دارد که مدیران در ورزش حرفه‌ای ایران با آن مواجه‌اند. برای مثال از طرفی بسیاری از راه‌های درآمدزایی مسدود است و از طرف دیگر نرخ ورزشکاران به‌صورت لجام‌گسیخته افزایش می‌یابد و نرخ خدمات در حوزه‌های مختلف اعم از ترانسفر و تغذیه و پوشاک افزایش پیدا می‌کند، بنابراین باشگاه‌ها با موانع جدی مدیریتی برای تأمین مالی مواجه می‌شوند. در این خصوص یکی از مصاحبه‌شوندگان (P8) گفت: «مبحث دومی که باعث شده است باشگاه‌های ما جان نگیرند و هیچ‌وقت نتوانند از نقطه نظر اقتصادی خودشان را جمع‌وجور کنند، این هست که یک برنامه لجام‌گسیخته پرداخت به بازیکن را برخی مدیران ناآگاه آغاز کردند به‌طوری‌که الان بالای جان فوتبال شده است. بازیکن ۳۰۰ میلیونی را رساندند به ۲ میلیارد. تمام شکل اقتصاد ورزش به هم ریخت». اعتبار پایین برند باشگاه‌ها در ایران از دیگر چالش‌های مدیریتی است که ورزش حرفه‌ای با آن مواجه

وجود نداشته، دولتی‌ها هم عرض کردم، دولتی‌ها هم عموماً نگاه تجاری نداشتند نگاه در واقع اداری داشتند به مسئله که، ما در سازمانی هستیم، مثلاً در یک فدراسیونی هستیم یا در یک باشگاه هستیم، بودجه می‌گیریم و آن را هزینه می‌کنیم، یک وظیفی برایمان تعریف شده و آن را انجام می‌دهیم». ماهیتاً به دنبال دولتی بودن دخالت هم می‌آید، چراکه می‌خواهد تمام فعالیت‌ها تحت کنترل یک نقطه قانونی به نام دولت صورت بگیرد. متأسفانه در این سال‌ها شاهد دخالت دولت در امور مختلف باشگاه‌ها و فدراسیون‌ها بوده و هستیم. تا جایی که بعضاً مربیان یک باشگاه یا تیم ملی با نظر مدیران ارشد دولت، وزارت یا کارخانه‌ای صنعتی وابسته به دولت انتخاب یا تغییر می‌کنند. یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان گفت: «هیأت مدیره باشگاه‌های ورزشی باید توسط سهامدارانشان انتخاب شوند، مدیرعامل نیز مبتنی بر شایستگی و پاسخگویی توسط هیأت مدیره انتخاب شود این در حالی است که الآن مدیران و هیأت مدیره‌ها توسط مدیران ارشد دولتی انتخاب می‌شوند و ملاک بیشتر وابستگی و گوش حرف کردن هست تا توانایی، معلوم است در این بستر وضع اقتصادی و مالی باشگاه‌ها رشد نخواهد کرد». بنابراین ورزش دولتی سبب شده است منابع و اماکن ورزشی همه دولتی باشند، باشگاه‌های ما بدون دارایی بمانند، حتی یک ساختمان ندارند، مدیران وابسته و غیرمتخصص‌اند، مدیران دولتی مدیران هزینه‌اند نه خلق درآمد و ثروت، بنابراین علاوه بر چالش‌های مذکور شاهدیم فرآیند واگذاری باشگاه‌های ورزشی و اجرای اصل ۴۴ نیز به‌کندی صورت می‌گیرد، چراکه اراده‌ای نیست و مدیران فعلی وابستگی دارند و در صورت واگذاری واقعی ممکن است جایگاه و قدرت خود را از دست بدهند. نقل قول یکی از مصاحبه‌شوندگان (P10): «من فکر می‌کنم که تصمیم هنوز وجود ندارد که اینها واگذار یا عرضه در بورس کنند. اگر تصمیم وجود داشته باشد انجام می‌شود. منتهی

است. خلأهای قانونی و عدم حراست از برند باشگاه‌ها که در بحث‌های قبل اشاره شد، در کنار برخی ضعف‌های فرهنگی سبب شده است جز موارد معدودی بسیار از باشگاه‌های ورزشی از اعتبار برند نسبتاً پایینی برخوردار باشند. عسگریان و آزادان (۱۳۹۱) عوامل ساختاری و مدیریتی را از جمله مهم‌ترین موانع جذب حامیان مالی معرفی می‌کنند. رضایی (۱۳۹۶) سازوکارهای مؤثر مدیریتی را از اجزای اصلی مدل درآمدزایی ورزش فوتبال معرفی می‌کند. تاکنون شش مورد از موانع تأمین مالی در ورزش حرفه‌ای ایران در قالب موانع عملکردی مورد بحث قرار گرفت. در ادامه نیز چهار مورد باقی‌مانده از این موانع در قالب موانع بنیادی مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرند. اولین مانع از موانع بنیادی تأمین مالی در ورزش حرفه‌ای دولتی بودن است؛ دولتی بودن اقتصاد، مدیریت و ورزش کشور. واقعیت آن است براساس اظهارات بسیاری از مصاحبه‌شوندگان و منابع علمی اقتصاد ایران اقتصادی دولتی است. بنابراین بیشتر منابع کشور در اختیار دولت است و نتیجه قهری آن ضعیف ماندن بخش خصوصی و افزایش رانت و رشد شرکت‌ها و صنایعی است که در ظاهر خصوصی‌اند، ولی در باطن دولتی‌اند، چراکه اقتصاد دولتی تمایل دارد کنترل خود روی منابع مهم را از دست ندهد و نمی‌تواند به‌طور واقعی به بخش خصوصی اعتماد کند و زمینه رشد آن را فراهم آورد. بلکه در بسیاری مواقع بخش خصوصی باید رقابتی نابرابر با دولت یا مجموعه‌ای وابسته به دولت برای رشد و نفوذ خود در بازار داشته باشند. دولتی بودن اقتصاد و ورزش سرآغاز بسیاری از موانع و مشکلات دیگر در ورزش شده‌اند. در این خصوص یکی از مصاحبه‌شوندگان (P16) گفت: «در طول تقریباً مثلاً ۳۰ سال اول انقلاب، بخش عمده‌ای از اقتصادمان دولتی بوده، در اختیار دولت بوده با سازوکار دولتی اداره می‌شده، با تفکر دولتی، ورزش حرفه‌ای ما هم همین‌طور، نگاه تجاری بهش

احتمالاً دوباره می‌خواهند یک سری آدم‌هایی باشند که گوش به فرمان دولت باشند». قره‌خانی (۱۳۸۹) در رساله دکتری خود در قالب چالش‌های محیطی خصوصی‌سازی به نقش دولت، منابع و بودجه‌های دولتی در کندی روند خصوصی شدن باشگاه‌های ورزشی اشاره می‌کند (۳۱). ترابی و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «بررسی شیوه‌های تأمین مالی در ایران و جهان» اعلام می‌دارد که حدود ۶۵ درصد منابع مالی باشگاه‌ها در ایران از کمک‌های مستقیم دولت و سازمان‌های صنعتی دولتی به‌دست می‌آید. الهی و همکاران (۱۳۸۹) مالکیت دولتی باشگاه‌های حرفه‌ای فوتبال را از موانع اصلی توسعه باشگاه‌داری در صنعت فوتبال اعلام کردند (۳۴). جلالی فراهانی و علی‌دوست قهفرخی (۱۳۹۲) نیز مالکیت دولتی بسیاری از صنایع، کارخانه‌ها، نهاد و سازمان‌های ورزشی و غیرورزشی را از موانع اقتصادی اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ در ورزش حرفه ایران اعلام کردند (۳۵).

سیاست‌زدگی یکی دیگر از موانع بنیادی بود که در این پژوهش شناسایی شد. پدیده سیاست‌زدگی در ورزش حرفه‌ای را از چند منظر می‌توان بررسی کرد. جاری بودن روابط و مسائل سیاسی در اقتصاد و انتصابات ورزش یک بعد آن است؛ یعنی وزارتخانه‌هایی که وزیر آن همسویی بیشتر با دولت دارند، بودجه بیشتری دریافت می‌کنند، به همین منوال فدراسیون‌هایی که هماهنگی و نزدیکی بیشتری با وزارت ورزش دارند، اعتبارات و حمایت‌های بیشتری دریافت می‌کنند. در انتصابات هم در بیشتر مواقع خط‌وربط‌های سیاسی بر شایستگی‌ها و تخصص مدیران اولویت پیدا می‌کند، بنابراین این نوع نگرش بستر رشد ورزش حرفه‌ای و به تبع آن تأمین مالی آن را با چالش‌های جدی مواجه می‌کند. در این خصوص یکی از مصاحبه‌شوندگان (p7) گفت: «الآن مدیران عامل بر اساس ضوابط انتخاب می‌شوند یا روابط! من هیچ آشنایی با ورزش

ندارم و تا قبل از این در یک فضای دیگر کار می‌کردم امروز به دلیل رابطه می‌آیم و مدیرعامل فلان باشگاه گردن کلفت می‌شوم، تا قبل از این من اصلاً در این فضاها نبودم. من نمی‌دانم ترانسفر کردن یعنی چه؟». جنبه دیگر سیاست‌زدگی در ورزش حرفه‌ای برداشتها و بهره‌برداری‌های سیاسی از ظرفیت‌های بالای اجتماعی ورزشی حرفه‌ای است. این برداشتها بیشتر از جانب دولت‌ها و سیاسیون و گاهی نیز از جانب ورزشی‌ها اعمال می‌شود؛ یعنی فرد ورزشکاری که از طریق ورزش محبوبیت بالایی کسب کرده است، از این طریق وارد دنیای سیاست می‌شود که در آن تخصص و مهارت ندارد. همین نگرش نسبت به ورزش حرفه‌ای خود به‌نوعی عامل دولتی ماندن و استمرار وابستگی ورزش حرفه‌ای به دولت نیز بوده است؛ چراکه سیاسیون و حاکمیت به‌منظور حفظ کارکردهای سیاسی ورزش حرفه‌ای اجازه واگذاری واقعی آن را صادر نمی‌کنند. مصاحبه‌شونده‌ای (p2) در این خصوص گفت: «لذا کسب‌وکار ورزشی، با توجه به گستردگی و بزرگ بودن آنها و قابلیت تحت تأثیر دادن محیط‌های اجتماعی، می‌توانند خودکفا باشند و وارد بازار سرمایه شوند منتهی شرط اول آن است که به یک بنگاه اقتصادی تبدیل شوند. در کشور ما ورزش حرفه‌ای هنوز به‌عنوان یک بنگاه سیاسی عمل می‌کند، به‌خصوص همه این باشگاه‌هایی که من می‌شناسم دارد با آن برخورد سیاسی می‌شود، که از دارایی اجتماعی‌اش به‌موقع در جریان انتخابات و مسائل سیاسی اجتماعی استفاده می‌شود». در همین زمینه زارع و همکاران (۱۳۹۳) نیز چالش‌های سیاسی و حقوقی را از مهم‌ترین موانع خصوصی‌سازی باشگاه‌های فوتبال معرفی کردند.

براساس نتایج حاصل از کدگذاری سومین مقوله از موانع بنیادی تأمین مالی در ورزش حرفه‌ای فساد است. محیط حقوقی، قانونی و اقتصادی فسادزا و مبتنی بر روابط کشور سبب بروز پدیده فساد در ابعاد گوناگون مدیریت

فرهنگی، اجتماعی و سیاسی به مقوله ورزش حرفه‌ای، اولویت‌دار نبودن مقوله ورزش در سیاست‌های کلی نظام با توجه به وجود چالش‌های فراوان اقتصادی و اجتماعی در کشور و کمبود آگاهی در مدیران ورزش به‌منظور پیاده‌سازی اصول و ضوابط ورزش حرفه‌ای و باشگاه‌داری در ورزش حرفه‌ای از مهم‌ترین موانع نگرشی و دانشی است که ورزش حرفه‌ای کشور از آن رنج می‌برد. در این خصوص یکی از مصاحبه‌شوندگان (p17) گفت: «اساساً ورزشی‌ها آدم‌های حرفه‌ای اقتصادی که نبودند، بیشتر ورزشکار بودند، یا ورزش‌دوست بودند، یا آدم‌های سیاسی بودند که وارد ورزش شدند یا مدیر دولتی بودند که مدیر هزینه هستند، وارد این حوزه شدند، لذا نگاه تجاری و اقتصادی به ورزش وجود نداشته، بنابراین این مسئله تأمین مالی ورزش جلو نرفته و هنوز در ایران خیلی خام است، نگاه تجاری و اقتصادی، به‌عنوان سودآوری در ورزش کشور نداشتیم».

(P2) نیز گفت: «به نظر من از ابزارهای نوین مالی اگر استفاده کنید به مقصود نزدیک‌تر است. به‌خاطر اینکه همه چیز کمی‌تر و قابل‌سنجش‌تر است و قابل‌مدیریت شدن بیشتری است. در غیر این صورت باید منتظر باشیم که جو زمانه ما را ببرد به سمتی که دولت به‌واسطه فشار هزینه‌هایی که برایش وجود دارد، توان تأمین مالی باشگاه‌ها را نداشته باشد و به سمت خصوصی‌سازی اجباری برود. قطعاً این خصوصی‌سازی هم خصوصی‌سازی موفق نخواهد بود. مثل سایر خصوصی‌سازی‌هاست که دولت انجام داده است. در واقع واگذاری نیست واگذاری ضرر است! بنگاهی را که به ضرر رسیده است، واگذار می‌کنیم! در صورتی فرایند واگذاری تدریجی است باید الزامات آن فراهم شود، منابع درآمدی فعال شود و الگو گرفتن از کشورهای موفق انجام شود». در همین زمینه علی‌دوست و همکاران (۱۳۹۲)، مخالفت برخی صاحب‌نظران و مدیران با مباحث خصوصی‌سازی، نگاه مالکیتی دولت به شرکت‌ها و صنایع

کشور به‌ویژه ورزش حرفه‌ای شده است. بنابر اظهار بسیاری از مصاحبه‌شوندگان با توجه به سودزا نبودن ورزش حرفه‌ای در حال حاضر افراد سرمایه‌داری که وارد ورزش حرفه‌ای می‌شوند، بیشتر اهداف غیرورزشی دارند. در واقع ورزش را بستری برای کسب رانت‌ها و منافع اجتماعی، سیاسی و اقتصادی قرار داده‌اند. از طرفی فساد و بی‌اعتمادی به دستگاه مالیاتی سبب بی‌رغبتی بخش خصوصی و سرمایه‌گذاران برای ورود به ورزش حرفه‌ای شده است. از طرف دیگر، برخی شرکت‌ها با سندسازی کردن سایر هزینه‌ها در قالب هزینه‌های ورزشی سعی در فریب نمایندگان سازمان مالیاتی دارند. این تعاملات فسادانگیز و بی‌اعتماد به فرایند تأمین مالی در ورزش حرفه‌ای آسیب وارد کرده است. در این زمینه برخی نقل قول‌های مصاحبه‌شوندگان ارائه می‌شود؛ (p3) گفت: «مثلاً در برنامه‌های تلویزیونی راجع به فساد در فوتبال و ورزش صحبت می‌شد افشاگری‌های زیادی می‌شد ولی متأسفانه برخوردی صورت نگرفت، این پول‌شویی گسترده‌ای که در ورزش صورت می‌گیرد، چند صد میلیارد تومان از بانک وام گرفته می‌شود و بخش کمی از آن هزینه ورزش می‌شود. اسمش این است که خادم ورزش است و به فلان تیم کمک می‌کند». (P19) گفت: «به‌طور مثال قانونی گذاشته‌شده که هزینه در ورزش جزو هزینه‌های قابل قبول پذیرفته می‌شود اما بخش خصوصی ترغیب نشد چرا؟ چون می‌گن اصلاً دستگاه مالیاتی توجهی به این مسائل ندارد و به علت بی‌اعتمادی زیاد ناشی از سندسازی‌های عده‌ای که قانون را دور می‌زنن این هزینه‌ها را قبول نمی‌کند! باید قانون شفاف شود و اجازه ظهور فساد را ندهد».

موانع نگرشی و دانشی آخرین مقوله مرتبط با موانع بنیادی تأمین مالی ورزش حرفه‌ای بود که شناسایی شد. کمبود آگاهی مدیران و مسئولان ارشد نظام و قوای کشور در خصوص ورزش حرفه‌ای، نگرش غیراقتصادی و بیشتر

در مجلس شورای اسلامی اولین گام است. در کنار قانون باید مقررات و دستورالعمل‌های مورد نیاز به‌طور دقیق پیش‌بینی و تدوین شود، به‌طوری‌که امکان بروز فساد و هرگونه سوء استفاده در آن وجود نداشته باشد. بهره‌گیری از مدیران متخصص در حوزه تأمین مالی و آشنا با بازار سرمایه و ابرازهای نوین تأمین سرمایه در رأس باشگاه‌های ورزشی یا در کنار مدیران ارشد باشگاه‌ها و فدراسیون‌های ورزشی نیز می‌تواند به رفع برخی موانع موجود یاری رساند. مباحثه با مدیران ارشد نظام و معرفی کارکردها و جنبه‌های گوناگون ورزش و بهره‌گیری از رسانه برای معرفی و ترویج فرهنگ صحیح هواداری و مواجهه منطقی با مدیران و ستارگان ورزشی نیز گامی مؤثر در راستای رفع برخی نگرانی‌های حاکمیتی به ورزش از یک سو و تقویت منابع درآمدی باشگاه‌ها از سوی دیگر است.

کشور، ناآگاهی و اقدامات شتاب‌زده در واگذاری و ترس از تغییر در مدیران باشگاه‌های ورزشی، تمایل مسئولان کشور و مدیران دولتی به فراگیر بودن حیطه نظارت یا مدیریتشان، ناآگاهی از فرهنگ ورزش حرفه‌ای در میان مسئولان و مدیران کشور و ورزش، عدم باور به کارکردهای اقتصادی ورزش حرفه‌ای را از مهم‌ترین موانع اجرای صحیح سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی در ورزش شناسایی کردند (۳۶).

در پایان جمع‌بندی تیم تحقیق از اجرای پژوهش حاضر آن است به‌منظور بهره‌مندی از ابزارها و روش‌های متنوع تأمین مالی در ورزش حرفه‌ای همچون سایر کشورهای پیشرفته ابتدا لازم است با آگاهی از موانع عملکردی و بنیادی موجود طی نگاه تدریجی، فرایندی و بلندمدت با تدوین برنامه‌ای سه تا پنج‌ساله اقدام به مواجهه صحیح و اصولی با موانع مذکور و تلاش برای استقرار ورزش حرفه‌ای با رویکرد تجاری و اقتصادی داشت. پرواضح است بدون برطرف شدن موانع ده‌گانه پژوهش حاضر با متمسک شدن به اقدامات عجولانه و نمایشی نمی‌توان انتظار تحقق مدل مطلوب تأمین مالی در ورزش حرفه‌ای را داشت. اصل اساسی در تحقق ورزش حرفه‌ای و تأمین مالی وجود نگرش اقتصادی و بالفعل کردن ظرفیت‌های درآمدزا در ورزش است. همان‌طور که اشاره شد، شرط بهره‌مندی از ابزارها و روش‌های تأمین مالی امکان سودآوری است و این محقق نمی‌شود مگر با وجود دارایی و منابع درآمدی فعال و پویا در ورزش حرفه‌ای. فقدان زیرساخت‌های حقوقی و قانونی و عدم همکاری قوه قضاییه و نیروی انتظامی منشأ بسیاری از چالش‌های اقتصادی و مالی باشگاه‌های ورزشی است، لذا امید است با تلاش متولیان ورزش حرفه‌ای و همکاری قوای مقننه و قضایی بتوان زیرساخت‌های قانونی و حقوقی لازم برای بهره‌مندی از منابع درآمدی ورزش را فراهم آورد. بی‌شک تدوین قانون جامع تأمین مالی ورزش و تصویب آن

منابع و مآخذ

1. nezamdoust H. Sports clubs and capital markets. bourse Monthly [Internet]. 2013;71. Available from: <http://ensani.ir/file/download/article/20141006100752-9953-99.pdf>
2. Industry Sector Market Size by Revenues, Growth Forecasts, Revenues per Company, Employment Growth, Sales per Employee - Plunkett Research, Ltd. [Internet]. [cited 2019 Jan 26]. Available from: <https://www.plunkettresearch.com/industry-market-size-benchmarks-and-growth-forecasts/>
3. Sports Financing. Market and Capital Monthly [Internet]. 2014;101. Available from: <http://w.magiran.com/magtoc.asp?mgID=6642&Number=39&Appendix=0&lanf=Fa>
4. askarian f, azadan m. Impediments of Sponsors' Attraction to Iran's Professional Football. cotemporary Stud Sport Manag [Internet]. 2013;2(4):59-69. Available from: https://smms.basu.ac.ir/article_330.html
5. Fried G, Deschrive T, Mondello M. sport finance. 3rd ed. USA: Human Kinetics; 2013. 5 p.
6. Paramasivan C ST. Financial management. New Delhi: new age international; 2012. 5 p.
7. Ghanizadeh B, Barani Z. Financing methods in business enterprises. Off Account Q [Internet]. 2016;(29):59-69. Available from: <http://www.iraniancpa.ir/portals/0/pdf/Fasnameh/Fasnameh29/RaveshTameenMali.pdf>
8. rezaei s. Designing a revenue model for the football clubs in Iran: With grounded theory approach Sh. Appl Res Sport Manag. 2018;6(3):101-16.
9. Barnard M, Dwyer M, Wilson J, Winn C. Annual Review of Football Finance 2018. Manchester: Deloitte, Sports Business Group; 2018. p. 16.
10. Lowry T, Grover R. Football's fear factor. Business Week; 2004. 157 p.
11. Ourand J. \$2B? To experts, it sounds reasonable. Str smith's Sport Bus J [Internet]. 2001;13(36):23-40. Available from: [https://www.sportsbusinessdaily.com/Journal/Issues/2011/01/10/Media/NFL-ESPN.aspx?hl=\\$2b? to experts it sounds reasonable&sc=0](https://www.sportsbusinessdaily.com/Journal/Issues/2011/01/10/Media/NFL-ESPN.aspx?hl=$2b? to experts it sounds reasonable&sc=0)
12. Blake J, Fourie S, Goldman M. The relationship between sports sponsorships and corporate financial returns in South Africa. Int J Sport Mark Spons [Internet]. 2019 Feb 4;20(1):2-25. Available from: <https://www.emeraldinsight.com/doi/10.1108/IJSMS-12-2016-0088>
13. Ekmekci R. New Era Sport Sponsorship in Turkey. J Bus Manag Sci [Internet]. 2013 [cited 2019 Jan 26];1(1):10-3. Available from: <http://pubs.sciepub.com/jbms/1/1/3/index.html>
14. Mohammadkazemi R, Hoseinia G, Habibi H. Crowdsourcing in football clubs. 2013; P:16-86; مؤسسه کار و تأمین اجتماعی .
15. Novak I, Knežević B, Škrobot P. Crowdfunding of Entrepreneurial Projects in Sport. In: ENTRENOVA Conference Proceedings [Internet]. 2017 [cited 2019 Jan 27]. p. 94-101. Available from: https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=3282506
16. Crowdfunding for #sport Campaigns | Non-profit charity and social enterprise fundraising [Internet]. [cited 2019 Jan 27]. Available from: <https://chuffed.org/movement/sport>
17. amirtash a, mozafari a. Conditions and necessity of Entering Premier League's Professional

- Football Clubs into the stock Market. *Sport Manag.* 2014;6(3):399–419.
18. Demirhan D, Üniversitesi E, Ve İdari İ, Fakültesi B, Bölümü İ. STOCK MARKET REACTION TO NATIONAL SPORTING SUCCESS: CASE OF BORSA ISTANBUL. *Pamukkale J Sport Sci [Internet]*. 2013 [cited 2019 Jan 27];4(3):107–21. Available from: <http://pjss.pau.edu.tr>
 19. shakeri e, sahraei m, amiri o. necessity to use BOT contracts instead of 3P contracts in sports venues waiting for validity. In: 1st National Congress on Construction Engineering and Projects Assessment. 2014; P:1-9. ایران، گرگان.
 20. Lin H-W, Lu H-F. Evaluating the BOT project of sport facility: an application of fuzzy net present value method. *J Ind Prod Eng [Internet]*. 2013 Jun [cited 2019 Jan 27];30(4):220–9. Available from: <http://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/21681015.2013.818067>
 21. José Oliveira dos Reis C, Cabral S. Public-private partnerships (PPP) in mega-sport events: a comparative study of the provision of sports arenas for the 2014 Fifa World Cup in Brazil. *BRAZILIAN J PUBLIC Adm | Rio Janeiro [Internet]*. 2017 [cited 2019 Jan 27];51(4):551–79. Available from: <http://dx.doi.org/10.1590/0034-7612158071>
 22. Sports PPPs are more than sports – Welcome... [Internet]. 2017 [cited 2019 Jan 27]. Available from: <https://www.albertocagra.com/ppp/sports-ppps-are-more-than-sports/>
 23. Kuppuswamy V, Bayus B. A review of crowdfunding research and findings. In: Peter N .Golder, Debanjan M, editors. *Handbook of Research on New Product Development*. edward elgar; 2018. p. 361–7.
 24. Huth C. Back to traditional stadium names: Fans’ role in financing naming rights through crowdfunding. *Sport Bus Manag An Int J [Internet]*. 2018 Jul 9 [cited 2019 Feb 13];8(3):214–34. Available from: <https://www.emeraldinsight.com/doi/10.1108/SBM-05-2017-0027>
 25. Saba Brokerage Company. familiarity to capital market and stock market investment [Internet]. [cited 2019 Jan 27]. Available from: http://www.sababroker.com/c/document_library/get_file?p_l_id=89331&folderId=10550&name=DLFE-1935.pdf
 26. Soltanifar M. Completing 4,000 Unfinished Sports Projects Requires 11 Billion USD Credit [Internet]. Islamic Republic News Agency, IRNA. 2016 [cited 2019 Jan 27]. Available from: <http://www.irna.ir/fa/News/82452766>
 27. Corbin J, Strauss A. Principles of qualitative research Techniques and stages of ground theory. Afshar E, editor. Tehran: Nashreny; 2008. 230 p.
 28. Elahi A, Sajjadi N, Khabiri M, Abrishami H. Barriers to the Development of Revenues from Sponsorship in Iran Football Industry. *Sport Manag.* 2009;1(1):189–202.
 29. Brown MT, Nagel M, McEvoy CD, Rascher DA. Revenue and Wealth Maximization in the National Football League: The Impact of Stadia. *Sport Mark Q [Internet]*. 2004 [cited 2019 Jan 29];13(4):227–35. Available from: https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=926210
 30. Rezaei S, Ehsani M, Kuzechian H, Amiri M. Designing effective commercialization mechanisms for football clubs in Iran. *Res Sport Manag Mot Behav J.* 2015;5(9):119–30.

31. Gharekhani H. The survey of challenges and barriers of football clubs privatization development in Iran (In Persian). Tarbiat Modares University; 2011.
32. Amiri mojtaba, Nayeri S, Safari M, Delbari F. Explanation and Prioritization of Barriers to Privatization and Private Sector Participation in Sport Development (In Persian). Sport Manag [Internet]. 2014 [cited 2019 Jan 29];5(4):83–106. Available from: https://jsm.ut.ac.ir/article_36222_f7ce9d922949ff28c1bc5e96b0ff9a3a.pdf
33. Amin Z, Ahmadi A, Moradi G, Hoseini A. The Identification and Prioritization of the Exiting Challenges of Privatization of Iranian Football Clubs Using PEST1 Model. Sport Manag. 2015;6(4):593–575.
34. Elahi A, sajjadi S, Khabiri M, Abrishami H. Barriers to the Development of Iran's Professional Football Club Industry. Res Sport Sci. 2010;7(28):53–68.
35. Jalali farahani M, Aildoust E. The cultural and social barriers to implement general policies of article 44 in Iran professional sport (In Persian). Sport Manag Stud. 1392;5(19):109–28.
36. Alidoust E, Jalalifarhahi M, Gudarzi M, Naderan E. The cultural and social barriers to implement general policies of article 44 in Iran professional sport (In Persian). Sport Manag Stud. 1392;5(20):79–96.

Identifying Financing Barriers in Iran's Professional Sports

Mahdi ghafouri yazdi*¹ - Ebrahim Alidoust Ghahfarokhi² - mohammad khabiri³ - Seyed Nasrollah Sajjadi⁴

1.Ph.D. Sport Management Department, Faculty of Physical Education and Sport Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran 2,3.Associate Professor in Sport Management of University of Tehran, Tehran, Iran, 4.Professor, Department of Sport Management, Faculty of Physical Education and Sports Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran

(Received:2019/2/1;Accepted:2019/5/2)

Abstract

The purpose of this study was to identify the financial barriers in professional sports. The methodology of this research was qualitative with the phenomenological approach and the required information was obtained, using documentary studies and semi-structured interviews. The statistical population was university professors with specialization in sports management, economics, and entrepreneurship, the sport's senior managers and career professionals, and senior managers of corporations and investment funds. The sampling method was non-random and purposeful. We continued interviews with experts to reach the theoretical saturation (20 interviews). Finally, 10 financing barriers were identified, as follows: inefficient economies, financial challenges, management challenges, legal & regulatory challenges, lack of transparency, statehood, Apolitisme, corruption, and challenges of attitudes and knowledge. We categorized the barriers in two main categories: functional barriers and fundamental barriers. According to the findings, it is possible to develop a desirable financing model for Iran's professional sport through planning and action in order to overcome these barriers.

Keywords

Capital Market, Crowdfunding, Finance, Professional Sport, Qualitative Research.

* Corresponding Author: Email: m_ghafoori89@ut.ac.ir Tel: +989151597095